

استراتژیها، سیاستها و برنامه‌هایی برای توسعه صنایع کوچک

ترجمه از: منصور محمود نژاد

(۲)

اشاره:

مطلبی را که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، دومین بخش از خلاصه گزارش نشست متخصصین سازمان توسعه صنعتی (Unido) جهت بررسی سیاست و استراتژیهای توسعه صنایع کوچک در منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌باشد. در قسمت اول «سهم صنایع کوچک در صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه» مورد بحث قرار گرفت؛ و در این شماره نگاهی اجمالی به سیاستها و برنامه‌های حمایتی برای توسعه صنایع کوچک گردیده است.

۱- اصولی چند از طرح حمایت از واحد صنعتی، صنایع کوچک

در تقسیم بندی صنایع مختلف با توجه به سطح تکنولوژیکی و چگونگی روشهای تولید آن، صنایع بزرگ صنعتی از اهمیت بالا تری برخوردارند و برای اعطای پروانه‌های واردات و وام بانکی، کارخانجات بزرگ در اولویت قرار دارند؛ چرا که هم به لحاظ دانش فنی و هم توان تولیدی، آنها در مقایسه با دیگر صنایع، جلوتر فعالیت می‌کنند و این امر در حقیقت به ضرر صنایع کوچک، به عنوان زیربخشی از کل صنایع تمام میشود. لذا برای تقویت صنایع کوچک و هماهنگی بیشتر در کل می‌بایست سیاست‌گذاریهای هماهنگ اتخاذ شود.

آنچه که در مجموع مورد نیاز است، عبارتند از:

— محده های منسجم از سیاست‌گذاریها

کلان با تکیه و توجه بیشتر به منابع اولیه، تعلیم و آموزش فنی، تحریرک پس اندازها، سرمایه گذاریها، اتخاذ سیاست مناسب خارجی با توجه به عملکرد بخشهای دولتی و خصوصی و در نهایت ایجاد محیطی مناسب بخصوص برای کارخانجات کوچک صنعتی.

— تعیین اولویتها توسط دولت و ایجاد فضای مطمئن برای ادامه فعالیت.

البته بطور خاص تر در جهت حمایت از صنایع کوچک، اتخاذ تصمیمات دیگری نیز به شرح زیر ضروری است:

— طرح برنامه های عمومی و تشکیل

شبکه های اجرایی و یا مراکز خدماتی به قصد کمک به واحدهای صنعتی کوچک؛ می‌بایست برای اینکار پرسنلی کار آزموده و علاقمند فعالیت داشته باشند.

— ایجاد تعاونیها و سازمانهای خود کفای صنایع کوچک.

تجربه طرحهای توسعه صنعتی بیشتر کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که اکثر تصمیمات اتخاذ شده در جهت فائق آمدن بر مشکلات موجود می‌باشند، بدین امید که ایجاد محیط تجاری مطلوب باعث تشویق کارخانجات به خودگرانی خواهد شد تا از این طریق با مساعده ایده‌ها، راههای نوآیندی ساده‌تر و مناسبتر انتخاب شوند.

البته می‌بایست متذکر شد که برای توسعه واحدهای صنایع کوچک نمیتوان از طریق نظام بوروکراتیک خشک و بیروح اقدام کرد، چرا که

این رفتارها به طبع اینگونه صنایع سازگار نیست.

۲- حجم پروژه‌های حمایتی ویژه

برنامه های توسعه صنایع کوچک گرچه قابل درک است، ولی احتیاج به توجه بیشتری دارد که ذیلاً بدان اشاره میشود:

— اعطای اعتبارات کوتاه و بلند مدت در

جهت رشد و تنوع واحدهای صنایع کوچک.

— توسعه بازارهای داخلی و ایجاد بازارهای جدید برای تولیدات این صنایع با همکاری دولت و بخش خصوصی.

— بالا بردن دانش فنی از طریق آموزش جدیدترین تکنیکها و توجه مسئولین به بکارگیری تواناییهای تکنولوژیکی محلی.

— ایجاد قوانینی در جهت تقویت و حفظ

موقعیت صنایع کوچک در ارتباط با مسائل مالی شرکاء تجاری قویتر.

۳- شناسایی و توسعه پروژه‌های صنعتی:

علیرغم درگیری فزاینده آژانسهای توسعه صنعتی در شناسایی پروژه‌های سرمایه گذاری صنعتی و طراحی این پروژه‌ها، اکثر طرحهای جدید قابل قبول بانکها در مقایسه با کل آنها در اقلیت باقی می‌مانند، چرا که اولاً: پیشنهادات پروژه اغلب در غیاب و دور از پتانسیل صاحبان یا مدیران آنها و واقعیتهای نامطلوب تجارت و صنعت بررسی و تهیه می‌گردند و ثانیاً: پروژه‌های پیشنهادی معمولاً تمایل به تمرکز بر افزایش تولید

دارند، در حالیکه پتانسیل بازار اغلب مورد مذاقه صحیح قرار نمی‌گیرد.

برای توسعه اینگونه صنایع نیاز به قراردادهای مدون و ویژه‌ای است تا بتوان کارخانجات کوچک را در تمام مراحل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری حمایت کرد، چرا که تعداد کمی از افراد در توسعه سرمایه‌گذاری پروژه‌ها مطلع بوده و بدون کمک دیگران و روشهای اداری قادر به رسیدن به اهداف خود از جمله تشکیل کارخانه شده‌اند. تجربه نیز نشان داده است که حضور فعالانه متخصصین صنعتی در چنین تأسیساتی الزامی است، و در ضمن ممکن است لازم بشود روندهای تصمیم‌گیری را برای دستیابی به یک سازمان‌بندی خاص و یک برنامه‌ی اجرایی مدون با

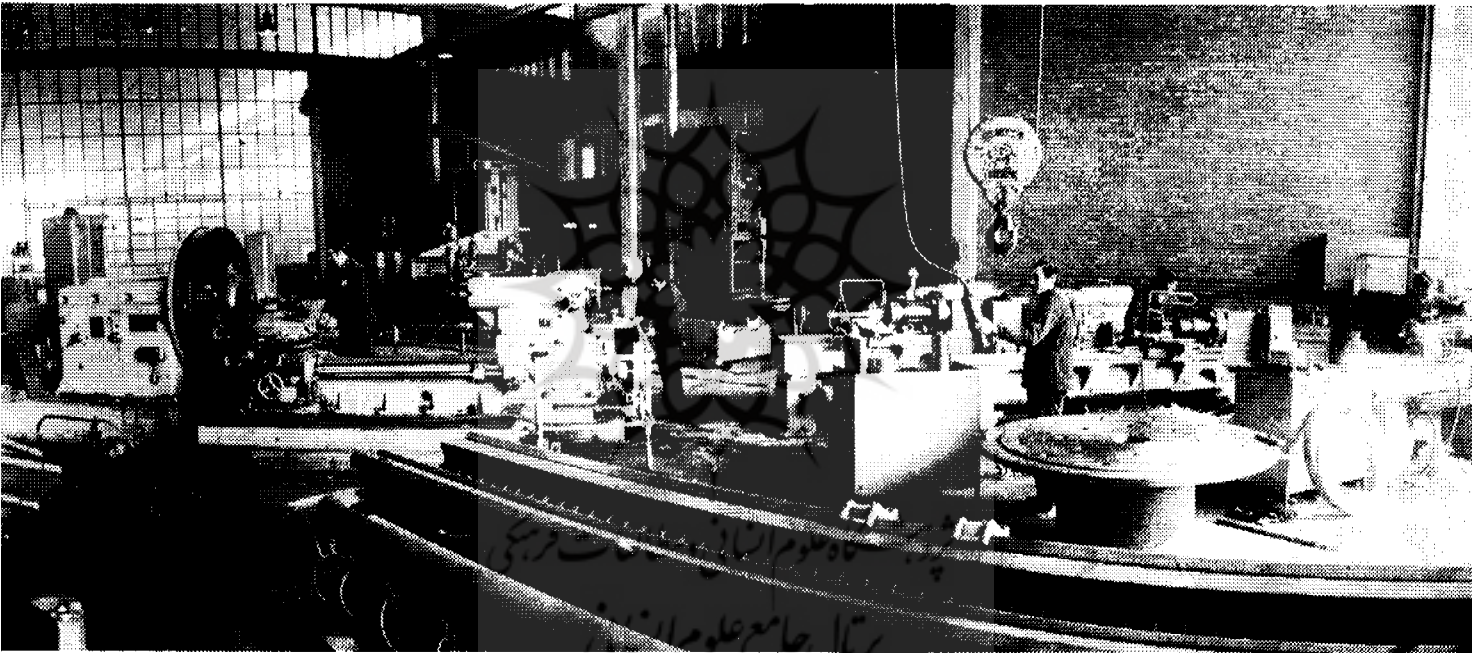
قراردادهای فرعی فراوان می‌شود.

سازمانهای توسعه صنعتی در تلاش تأمین چنین خدمات و ساختمانهایی در داخل نواحی خاص و پارکهای صنعتی هستند.

از نتایج عمده اینگونه اقدامات، اعطای هر چه سریعتر پروانه کار و وام مورد نیاز در جهت توسعه سرمایه‌گذاری می‌باشد، که شاید بتوان آنها را بهترین عامل گسترش اساسی یک صنعت دانست. البته چنین بنظر می‌رسد که دستیابی به یک ویژگی پیشرفته و تحقق نیازهای کارخانجات متوسط، مناسبتر از کارخانه‌های کوچکتر است؛ بدین جهت لازم است که کلیه کارخانجات کوچک در انعطاف و تطبیق خود در صرف و

میشود، اولویت را بایستی به تقویت و ترفیع عملیات کارخانجات کوچک موجود داد. و این نکته حائز اهمیت است که این دسته از صنایع برای به حداکثر رسانیدن سهم خود در توسعه اقتصادی کشور احتیاج به توجه بیشتری دارند. از جمله این توجهات، بکارگیری تکنولوژی مناسب در جهت ارتقاء کمیت و کیفیت تولیدات می‌باشد و برای اینکار بهتر آن است که تکنولوژی موجود توسعه و رونق یابد تا اینکه تکنولوژی نوستقیماً وارد شود.

برای دستیابی به چنین رشد و توسعه‌ای مشکلات فراوانی وجود دارد؛ برای نمونه می‌توان به بروز برخوردهایی که گاهی اوقات بین دولتمست و



توجه به نیاز کارخانه‌های کوچک، بین آژانسهای توسعه تقسیم نمود.

۴- خدمات زیربنایی و برنامه‌های نواحی صنعتی

برای رسانیدن صنایع کوچک به سطوحی بالاتر از سطح محلی، احتیاج به احداث راه و شبکه ارتباطات تلفنی و محلهای صنعتی مناسب می‌باشد. نزدیکی و ارتباط صنایع کوچک به هم باعث تسهیل فعالیتهای تجاری، تعمیر و نگهداری وسایل تولید، حفظ ارتباط داخلی صنایع و بستن

هزینه‌های وامهای دریافتی، تلاش کنند.

دولتها نیز می‌توانند در تحریک و تشویق صنایع محلی کوچک با تعمیم و توسعه قرار دادهای زیربنایی، بطور همه جانبه و سازمان یافته، با توجه به اهداف صنایع کوچک و نیازهای آن قدمهای مثبتی بردارند.

۵- حمایتهایی برای توسعه صنایع کوچک موجود

در کنار کمکهایی که در جهت ارتقاء کارخانجات جدید کشورهای در حال رشد انجام

کارخانجات موجود صنعتی پیش می‌آید، اشاره نمود. دولت برنامه‌ها و پروژه‌هایش را با اهداف متوسط و طولی‌مدت ایجاد اشتغال و رعایت تساوی حقوق تنظیم و اجرا می‌کند، در حالیکه بخش خصوصی شخصاً با هدف سود آوری برنامه‌ریزی کرده و بالطبع سیاستهای کوتاه مدت برای کسب هر چه سریعتر سود، مدنظرش می‌باشد. در نتیجه مدیریت قانونی و ترتیبات مالی پیاده شده دولتی، برای اهداف و سیاستهای وسیعتر ممکن است با اولویتهای فوری کارخانجات کوچک در تضاد باشد.

۶- تربیت کادر پشتیبانی

جمعیت گسترده کارخانجات صنایع کوچک موجود، تنوع محصولات و توزیع وسیع واحدهای تولیدی، آژانسهای توسعه صنعتی را مواجه با مشکلات جدی، در جهت تأمین نیروی انسانی ماهر لازم برای حل مشکلات پشتیبانی عملیات فعلی و افزایش تولیدات صنعتی می‌کند.

زمینه‌های اصلی تربیت و برنامه‌های آموزشی لازم را به ترتیب اهمیت آنها می‌توان شرح زیر نام برد: کنترل مالی، حسابداری، مدیریت و وظایف سرپرستی (Shop Floor)، بازاریابی (شامل فروش و مناقصات)، مسائل فنی تولید که شامل کنترل تولید و کنترل مرغوبیت می‌شود، دوره‌های آموزش کوتاه مدت با استفاده از تجربیات عملی برای کسب یک مهارت پایه‌ای و ارتقاء مهارت‌های لازم برای شناسایی پروژه‌ها و توسعه آن و همچنین حمایت‌های فنی و خاص در جهت توسعه و تحقیقات.

۷- تنظیم و ارشاد توسعه صنایع کوچک

اهمیت واحدهای صنایع کوچک، دولت‌ها را بر آن داشت که عملیات این «زیربخش» را بدون قلمرو سازمان یافته اداری خاصی بکشانند. قوانین دولتی برای زیربخش می‌بایست بگونه‌ای مطرح گردند که بوروکراسی مانعی برای توسعه آن نباشد و تا حد امکان سهلتر بوده و در جهت ارتقاء آن تنظیم شده باشد. دخالت دولت در اتخاذ روشها و سیاست‌گذاریها الزامی است؛ چرا که بعید بنظر می‌رسد بدون اینگونه کمکها بتوان به یک توسعه متعادل دست یافت؛ حتی کشورهای پیشرفته نیز نمی‌توانند بدون برنامه‌ریزی منسجم دولتی بکار خود ادامه دهند.

البته پوشش جامع و کامل کارخانجات کوچک اغلب ناممکن می‌باشد؛ یکی از راه‌های حل مشکلات موجود معرفی پارامترهای اساسی است. بطور نمونه (یک راه حل) چگونگی نحوه کار در کارخانجات کوچک بر مبنای سالیانه و ادامه محاسبات جامع در مقطع سه ساله می‌باشد؛ روش دیگر اتکاء بر هیأت‌های اتحادیه در جمع‌آوری اطلاعات در سطح کارخانجات خصوصی می‌باشد.

۸- روشهای توسعه صنایع کوچک در

کشورهای عضو اسکاپ

دولتهای کشورهای مستقل منطقه اسکاپ برای تشویق و تحریک توسعه صنایع کوچک، روشهای مختلفی را طرح و اجرا می‌کنند. در این بخش تعدادی از روشها و تصمیمات مملکتی در بعضی از کشورها بطور مختص بازنگاری شده است.

چین: برای توزیع متوازن رشد اقتصادی، «صنعت در روستا» حمایت بیشتری را بخود اختصاص داده است. تاکنون سیاست‌گذارها بر مبنای توسعه صنایع کوچک کاربر که نیاز کمتری به سرمایه دارد و هماهنگ با بخش کشاورزی نیز می‌باشد، استوار بوده است. این حمایت بصورت وام‌های کم بهره با انگیزه مالیاتی بوده، و شق دوم آن شکل سرمایه از پس اندازهای خصوصی خود

● زمینه‌های اصلی تر برنامه‌های آموزشی

تربیت کادر پشتیبانی از صنایع کوچک

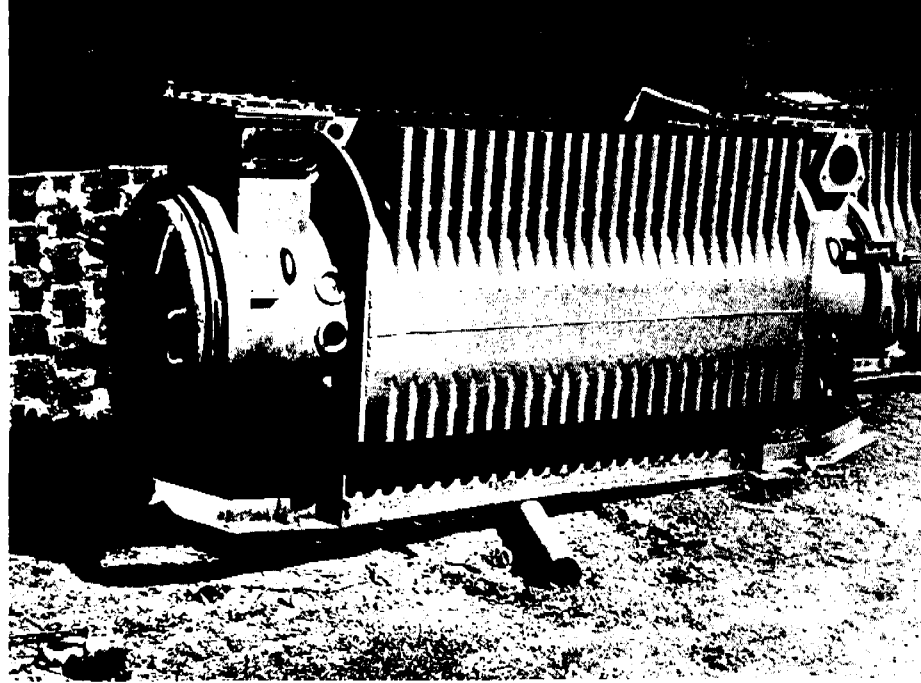
را میتوان به شرح زیر نام برد: کنترل مالی - حسابداری - مدیریت و وظایف سرپرستی - بازاریابی - مسائل فنی تولید که شامل کنترل تولید و کنترل مرغوبیت میشود و...

مردم است. خط مشی کنونی تأکید بر بهبود تکنولوژیکی و محیطی با تأمین بخشی از سرمایه لازم توسط مقامات محلی و مرکزی است. طراحی این پروژه‌ها در جهت یکپارچه بودن صنایع در اقتصاد و صرفه‌جویی هر چه بیشتر صورت پذیرفته است.

هندوستان: استراتژی توسعه، توجه خاص خود را به «صنایع کوچک»، ضمن تشویق به ادغام با سایر بخشهای اقتصادی و تصحیح عدم تعادل منطقه‌ای، معطوف می‌دارد. تولیدات صنایع کوچک با اتخاذ روشهای (مثل نگهداری و حفظ محصولات) حمایت گردیده، و همکاری بین واحدها قویاً تشویق می‌شود. حمایت همه جانبه در خصوص ایجاد تسهیلات اعتباری و زیربنایی و همچنین مطالعه امکانات موجود و تحقیق پیرامون آن، همواره انجام می‌گیرد، و در کنار آن بطور مستمر روشهای مختلف توسعه و بهبود تکنولوژی ساده فعلی برای ترغیب واحدهای صنایع دستی مطرح می‌گردد. خط مشی تازه دیگر ترغیب به ایجاد واحدهای معین و تعاونیهای متمرکز بین صنایع بزرگ و کوچک می‌باشد.

جمهوری کره: طرح توسعه و پیشرفت بلند مدت دهساله برای صنایع کوچک و متوسط در سال ۱۹۸۲ بمنظور افزایش میزان اشتغال و سهام سرمایه‌ای اینگونه صنایع - تا حدود ۵۰ درصد مجموعه ملی - اتخاذ شد. در ابتدای تشکیل و





بکارگیری وسیع پتانسیل توسعه صنایع کوچک، از طریق اقدامات مختلف، موجود است. در بسیاری از کشورهای آسیایی و اقیانوسیه، چهارچوب مدون و وسیعی در توسعه صنعتی واحدهای صنایع کوچک از قبل وجود داشته است. اولویت برای آینده بسیار نزدیک بایستی ارتقاء کارایی آژانسهای موجود در دو زمینه ملی و منطقه ای باشد تا در بهبود کارآیشان مؤثر واقع شود. ضعف در خدمات حمایتی تجاری و فنی را می توان با کمک سازمانهای بین المللی رفع نمود، البته بیشتر کشورها در حال حاضر می توانند از تجربیات خود و سایر کشورهای در حال توسعه، بهره مند شوند. موفقیت و یا عدم موفقیت و شکست کشورهای دیگر می تواند در تنظیم و اتخاذ تصمیمات مناسب کمک مؤثری باشد. تجربیات کشورهای دیگر باید به عنوان یک موضوع آموزنده، مورد استفاده قرار بگیرد. البته با توجه به شرایط خاص هر منطقه می بایست روشهای مختلفی اتخاذ شود.

سازمانهای بین المللی دست اندرکار کمک به صنایع کوچک نیز می بایست کلیه مسائل را در نظر بگیرند؛ به عنوان نمونه: در هنگام استفاده از تجربیات منطقه ای - جهانی و منابعی که به عنوان برنامه های حمایتی در بین کشورهای منطقه بکار گرفته شده، مناطقی که در بهره گیری کامل از منابع از اولویت خاصی برخوردارند، مشخص شوند، تا از طریق مشورتهای معمول - تا حد امکان با پشتیبانی کمکهای بین المللی - به پیشرفتهای ملی چشمگیری دست یافت.

برای مشورتهای منطقه ای چهار مورد مهم بنظر می رسد: اولاً: توسعه و بهبود جریان اطلاعات تولیدات، بازارها، تکنولوژی و فاکتورهای کلیدی اقتصادی برای طرحهای ملی و منطقه ای؛ ثانیاً: ضبط و انتشار پیشرفتهای حاصله در استراتژیهای توسعه، تکنیکها و روشها؛ ثالثاً: تلاش همگانی برای دستیابی به ابداعات و اختراعات برای رشد کمی و کیفی صنایع کوچک. این امر می تواند شامل بکارگیری تکنولوژیهای اطلاعاتی جدید، برای ازدیاد حضور صنایع کوچک در بازارها باشد و رابعاً: مسائل آموزشی که دست اندرکاران مجرب توسعه در تماس با یکدیگر و بخصوص آشنایی با منابع خارجی می آموزند.

(ادامه دارد)

● دخالت دولت در اتخاذ روشها و سیاستگزاریه الزامی است؛ چر که بعید به نظر می رسد بدون اینگونه کمکها بتوان به یک توسعه متعادل دست یافت. حتی کشورهای پیشرفته نیز نمی توانند بدون برنامه ریزی منسجم دولتی بکار خود ادامه دهند.

کارخانجات تولیدی که در طرحهای توسعه مشخص شده محدود می گردد. ولی با توجه به این محدودیت با ارزش بوده و نقش چشمگیری در این شرایط بر عهده دارد. بطور نمونه فیجی (Fiji) با اجرای طرحهای حمایتی؛ از جمله: تأمین امکانات زیربنایی و اساسی صنایع، اولویت دادن در روند محلی مواد خام و داده های تولیدی برای واحدهای اقتصادی دیگر، قدمهای مثبتی را در جهت توسعه صنایع کوچک و متوسط برداشته است.

۹- بسوی برنامه منطقه ای توسعه صنایع کوچک در آسیا و اقیانوسیه

واحدهای صنعتی کوچک به دلیل ذات و ماهیت واقعی درون چهارچوب بازارهای محلی روی پای خودش می ایستند. بهر حال همانگونه که فوقاً اشاره شده دلایل پُر قدرتی بر افزودن به نقش و

شروع بکار این صنایع و اجرای طرحهای منسجم حمایتی، سازمان پیشرفت صنایع کوچک و متوسط نقش مرکزی را ایفا می کرد. روشهای توسعه حرف کوچک، شامل موارد مختلف: مالی، تکنیکی، بازاریابی، تشویقی (حمایتهای مالی و دولتی)، تأسیس تعاونیها، مدرنیزه کردن تکنولوژی و مدیریتی از طریق خدمات ترویجی و اطلاعاتی و برنامه های آموزشی در پیش گرفته شده است. کمکهای مالی برای صنایع کوچکی که در مناطق روستایی واقع شده اند و یا کسانی که به تکنولوژیهای جدید روی می آورند، بر اساس حجم معینی از تولید این صنایع بر مبنای کارایی آنها و ضوابط مختلف دیگر در قیاس با هم، انجام می گیرد؛ و بدین جهت دولت اقدام به تأسیس صندوق توسعه صنایع کوچک و متوسط نموده که توسط آن وامهای بلند مدت با بهره پائینی داده می شود. بانکهای بازرگانی نیز موظفند مقداری از سرمایه های خود را برای واگذاری وام به حرف کوچک اختصاص داده و بدین ترتیب به سرمایه گذاری در کارخانجات کوچک تشویق می شوند.

کشورهای جزایر جنوبی اقیانوسیه: کشورهای جزایر جنوبی اقیانوسیه، تعدادی از جزایر گسترده ای را شامل می شوند که با بازارها و منابع بسیار محدود روبرو هستند و لذا اهداف